

سُورَةُ الضُّحَىٰ ۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
وَالضُّحَىٰ

﴿۱﴾

به نوری که روز را کند آشکار قسم یاد فرموده است کردگار
وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ

﴿۲﴾

بخورده قسم، باز آن ذاتِ رب به آرامشی که بیاید به شب
مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ

﴿۳﴾

که هرگز تو را ای رسولِ امین! خداوند، ترک نکرده یقین
وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ

﴿۴﴾

بدان! دارِ عقبی برت بی‌گمان بسی نیک‌تر باشد از این جهان
وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

﴿٥﴾

خداوند عطایت کند بی‌شمار که خوشنود گردی تو در روزگار
أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ

﴿٦﴾

مگر نه، تو را یافت ایزد یتیم؟ پناهت بداد فارغ از ترس و بیم
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ

﴿٧﴾

چو حیران بدیدت به راهِ خطا هدایت نمودت زِ جود و عطا
وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ

﴿٨﴾

و آنکه که بودی تو اندر نیاز غنایت ببخشید و هم دستِ باز
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

﴿٩﴾

به شکرانه‌ی لطف ذات کریم نیازار، به دنیا تو هرگز یتیم
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

﴿١٠﴾

و افرادِ محتاج و هم سائلان تو مأیوس از درگه خود مران
وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

زِ انعام ایزد در این روزگار بران بر زبان نعمتش بی‌شمار